

نفت شمال و تأثیر آن بر روابط خارجی در دوره رضاشاه

سحر فریدونی^۱

چکیده

مسئله نفت شمال ایران که بعد از جدا کردن پنج استان شمالی از امتیاز داری (تبعه بریتانیا) در عصر قاجار به سال ۱۳۱۹ق. / ۱۹۰۱م. مطرح شد، در تاریخ معاصر این کشور، جایگاه ویژه‌ای را از آن خود کرده است. ناصرالدین شاه قاجار در ۱۳۱۳ق. طی فرمانی، اجازه استخراج نفت در تنکابن، کجور، کلارستاق (مازنداران) را به محمد ولیخان خلعتبری داده است. خلعتبری بعداً این امتیاز را به خوشتاریا واگذار نمود. خوشتاریا نیز این امتیاز را به انگلیسی‌ها فروخت. بدین صورت بخشی از تاریخ نفت شمال آغاز شد. در این مقاله، این مسئله از آخرین روزهای سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تا پایان سلطنت رضاشاه مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از نگارش این نوشتار، پاسخ دادن به این پرسش است که موضوع نفت شمال و رقابت روس و انگلیس بر سر تحصیل آن، چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران در دوره رضاشاه داشت؟ در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی به این مسئله پرداخته می‌شود. یکی از شاخصه‌های مهم سیاست خارجی ایران در آن زمان، رقابت انگلیس و روس بر سر احراز این امتیاز است و پس از انقلاب اکتبر روسیه، رقابت انگلیس بر سر این قضیه با اتحاد جماهیر شوروی ادامه پیدا کرد. آمریکا هم که با اعتراض به امتیاز خریداری شده انگلیس از خوشتاریا وارد این میدان شد، با استفاده از سیاست خارجی دولت ایران و از آن جمله رضاخان که سعی در ایجاد نیروی سوم به منظور کاهش نفوذ انگلیس و شوروی داشتند، موازنه این رقابت را به نفع خود تغییر داد و امتیاز نفت شمال توسط دولت ایران به شرکت‌های آمریکایی داده شد. این قدرت سوم که کشور آمریکا بود، همانند روس و انگلیس به منابع نفتی ایران چشم داشت. در نهایت این سیاست رضاخان به نتیجه‌ای نرسید.

کلیدواژه‌ها: نفت شمال، روسیه، انگلیس، آمریکا، رضاشاه.

^۱ . کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز.

مقدمه

نفت به عنوان کالایی استراتژیک در صنعت و اقتصاد جهان و رقابت کشورها و شرکت‌های نفتی بر سر آن، نقشی محوری را در تاریخ بازی می‌کند. کشور ایران به واسطه دارا بودن ذخایر غنی نفت، از بدو کشف این ماده حیاتی تا مدت زمان مدیدی، عرصه ستیز و رقابت پنهان و آشکار قدرت‌های خارجی و به تبع آن کمپانی‌های نفتی بوده است.

در واقع بخش عظیمی از تاریخ معاصر ایران، تاریخ رقابت‌های آشکار و پنهان قدرت‌هایی نظیر روسیه (بعدها شوروی) و انگلیس و آمریکا برای کسب امتیازات مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی در ایران بوده است. یکی از موضوعات مهم و اصلی رقابت بین این قدرت‌های صاحب نفوذ در ایران در اوایل قرن بیستم میلادی، امتیاز نفت شمال ایران است.

بررسی پیشینه موضوع پیش رو نشان می‌دهد که چگونه چند قدرت استعماری با استفاده از ضعف دولت‌های ایران، برای تصاحب منابع ثروت این ملت، همه اصول و قوانین بین‌المللی را که خود مدعی وضع و تدوین آن بوده‌اند، زیر پا گذاشته و از هر وسیله‌ی ممکن برای خارج کردن رقیب از صحنه رقابت بهره جستند و گاه برای به غارت بردن منابع ملتی، در پشت پرده با هم کنار آمده و به تقسیم ثروت و غنایم پرداخته‌اند. نفت شمال ایران در دو مقطع از تاریخ معاصر ایران مطرح بوده است؛ یکی در سال‌های نخست پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش. / ۱۹۲۱م. که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد و دیگری پس از شهریور ۱۳۲۰ش. / ۱۹۴۱م. در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران است. اهمیت موضوع نفت شمال از حیث سیاست خارجی ایران، ورود نیروی سوم (آمریکا) به صحنه سیاسی است و دیگر اینکه ایران میدان نبرد قدرت‌های بزرگی چون روس و انگلیس بود.

اساس پژوهش را این پرسش محوری تشکیل می‌دهد که موضوع نفت شمال و رقابت روس و انگلیس بر سر تحصیل آن، چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران در دوره رضاشاه داشت؟ هدف از نگارش این نوشتار، پاسخ دادن به پرسش طرح شده با روش توصیفی -

تحلیلی است. در این مقاله، رقابت این دولت‌ها بر سر نفت شمال در دوره حضور رضاشاه در تاریخ ایران با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فرضیه اصلی این پژوهش بر این قاعده استوار است که موضوع نفت شمال بر سیاست خارجی ایران تأثیر گذاشت و آن ورود نیروی سوم به صحنه رقابت‌ها بود.

به تناسب فرضیه، این سؤالات قابل بررسی هستند: ۱. دولت شوروی در خصوص امتیاز نفت شمال چه عکس‌العمل‌هایی داشت؟ ۲. سیاست دولت بریتانیا برای تحصیل امتیاز نفت شمال چه بود؟ ۳. علت گرایش دولت ایران برای به صحنه آوردن آمریکا به عنوان نیروی سوم در خصوص امتیاز نفت شمال ایران چه بود؟

در ارتباط با این موضوع، مقالاتی به رشته تحریر درآمده که غالب آن‌ها مربوط به موضوع نفت شمال در دوره محمدرضاشاه هستند. مقالاتی که درباره دوره مدنظر این مقاله نوشته شده‌اند به همه ابعاد این موضوع توجه نداشته‌اند؛ همچنین موضوعی که نگارنده در این مقاله در ارتباط با درخواست فرانسه در خصوص اخذ امتیاز نفت شمال مطرح کرده است در هیچ یک از کتب پژوهشی مورد مطالعه، مشاهده نگردید؛ علاوه بر این، در کتب پژوهشی، مسئله نفت شمال ایران بخش بسیار اندکی از کتاب را شامل می‌شوند و همگی به جز کتاب مصطفی فاتح به صورت خلاصه از این موضوع سخن گفته‌اند. اهمیت نفت جنوب و تراکم نسبی تحقیقات درباره آن و نیز کمبود اطلاعات مستند راجع به نفت شمال و همچنین اهمیت نازل تر آن نسبت به منابع نفتی جنوب، موجب در سایه قرار گرفتن این موضوع در تاریخ ایران شده است. این پژوهش جریان نفت شمال را از اواخر دوره قاجار (نخست‌وزیری رضاخان) تا پایان دوره رضاشاه را با تأکید بر تأثیری که بر روی روابط خارجی این دوره داشته است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه پیدایش موضوع نفت شمال

سابقه و گذاری امتیاز نفت شمال ایران به دوره ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ق. ۱۸۹۶-۱۸۴۸م. باز می‌گردد که براساس صدور فرمان شعبان ۱۳۱۳ق. ۱۸۹۶م. اجازه استخراج نفت در تنکابن، کجور و کلارستاق را واقع در استان مازندران به محمد ولی خان تنکابنی واگذار کرد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۲۶؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۳؛ فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۲).

در اواسط قرن ۱۹م. دنیا به استخراج نفت علاقه پیدا کرد و در زمان قاجار با اعطای چند امتیاز از طرف شاهان این سلسله استخراج نفت آغاز گردید. در ماه مه سال ۱۹۰۱م. ۹/ صفر ۱۳۱۹ق. امتیاز شصت ساله‌ای برای استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی ایران به ویلیام نوکس داری داده شد (الولساتن، ۱۳۳۷: ۱۸۲). هنگام اعطای امتیاز نفت داری، منابع نفتی پنج استان شمالی ایران به خاطر حساسیت روس‌ها از این امتیاز مستثنی شدند (آوری، ۱۳۸۴: ۵۰۹). مسائل مربوط به نفت این ولایات در تاریخ سیاسی معاصر ایران موضوع نفت شمال را مطرح می‌کند. چند سال بعد، در سال ۱۹۰۹م. شرکت نفت ایران و انگلیس تأسیس شد (الولساتن، ۱۳۳۷: ۱۸۲) که در ادامه به رقابت این دول بر سر کسب امتیاز نفت شمال خواهیم پرداخت.

نقاط نفت خیز شمال ایران

ذبیح‌الله قدیمی درباره نقاط نفت خیز مناطق شمالی ایران این‌گونه اظهار نظر می‌کند که قسمت‌های مرکزی و شمالی ایران از دیگر مناطق خاورمیانه است که در ماورای سلسله زاگرس واقع است. ناحیه ساحلی دریای خزر در این منطقه بیشتر با اوضاع منطقه نفت خیز روسیه از حیث نفت مربوط بوده و نفت شمال ایران و نیز نقاط مرکزی کشور ایران از غنی‌ترین منابع کشورهای نفت خیز جهان محسوب می‌شود (قدیمی، ۱۳۳۲: ۱۵).

حسین مکی در کتاب خویش، طبق گزارش ارسالی متخصص نفتی ایران به وزارت خارجه در اواخر مهر ۱۳۰۵ش، نقاط نفت‌خیز شمال را در هشت مورد شرح داده است (مکی، ۱۳۶۱: ۲۰۱-۲۰۰).

منشورگرگانی مناطق نفت‌خیز شمال ایران را طبق نظر مهندسين معدن در اوایل قرن بیستم، در پنج منطقه (سمنان، گیلان، مازندران، گرگان، آذربایجان) ذکر کرده که در کتاب خویش به تفکیک در مورد نقاط دقیق این نواحی مطالبی دارد (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۵).

واگذاری امتیاز نفت شمال به خوشتاریا، تبعه روسیه‌ی تزاری

آکاکي مددويچ خوشتاریا^۱ ماجراجویی گرجستانی و تبعه روسیه تزاری و مأمور بانک استقراضی بود که با محمدولی‌خان خلعتبری رابطه دوستی داشت. وی پس از آگاهی از فرمانی که خلعتبری از ناصرالدین‌شاه کسب کرده بود، درصدد به دست آوردن آن امتیاز برآمد. بالاخره در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۶ م. ۲۱/ربیع‌الاول ۱۳۳۴ق. قراردادی نود و نه ساله در ده ماده بین دو فرد مذکور منعقد شد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۲۸-۳۲۶؛ فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۲). در ۲۲ ژانویه ۱۹۱۷ م. ۲۸/ربیع‌الاول ۱۳۳۵ق. او موفق شد از وزیر خارجه، یعنی وثوق‌الدوله امتیازنامه‌ای هفتاد ساله برای استخراج نفت در پنج ولایت شمال ایران به دست آورد که مربوط به استخراج آهن و مس و... هم بود. گفتنی است که از نفع خالص آن قرار بود تنها دوازده درصد به دولت ایران بدهد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۲۸؛ منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۶). بدین ترتیب امتیاز نفت شمال، از آن خوشتاریا گردید.

در سال چهارم مجله خواندنی‌ها، شماره‌ی ۴۹، صفحات ۵-۳ درباره اعطای امتیاز تمام منابع نفتی شمال ایران به خوشتاریای گرجی مطالبی موجود است (فهرست مقالات و مطالب مجله خواندنی‌ها درباره‌ی تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۷: ۳۴/۱) و نیز در سال شانزدهم همین مجله و شماره ۱۲۵ آن، صفحات ۱۴ و ۳۲-۳۴ شرح حال خوشتاریا و چگونگی تحصیل امتیازنامه نفت آمده است (همان: ۲/۸۸۳).

¹ Akaky Mededievitch Khoshtaria.

بدون به تصویب رساندن این امتیاز، محمدجعفر میرزائامی را به ریاست گروهی از متخصصین درآورد و آن‌ها را برای استخراج نفت راهی آن دیار کرد (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۳).

اولین اقدام کابینه‌ی بعد به ریاست صمصام‌السلطنه لغو امتیاز خوشتاریا و اعلام این تصمیم به سفارت روس و سایر سفارت‌خانه‌های مقیم تهران و شخص خوشتاریا بود. از آنجا که وی این امتیاز را با فشار سفارت تزاری روس کسب کرده بود، برای اجرای آن نیز بر همین شیوه دل بسته بود (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۰). انقلاب اکتبر روسیه رؤیای او را بر باد داد (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۴) و در پی آن زمامداران شوروی لغو امتیازات غیرمشروع عهد تزار که با توسل به زور از ایران گرفته شده را اعلام کردند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۹۰). به دنبال پیروزی انقلاب بلشویکی، متخصصین شرکت خوشتاریا ایران را ترک کردند و کار ناتمام ماند (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۴). خوشتاریا برای فروش امتیاز بی‌اعتبارش عازم اروپا شد. مذاکره او با شرکت رویال دچ هلندی به خاطر رجوع این شرکت به دولت ایران و کسب اطلاع از بی‌اعتباری امتیاز مذکور بی‌نتیجه ماند. مراجعه او به پاریس و گفتگو با شرکت‌های فرانسوی، نیز پس از آگاهی آن‌ها از بی‌اعتباری امتیاز به نتیجه نرسید (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۰).

خوشتاریا با اعلام تابعیت گرجی خود و اعتقاد بر اینکه چون شخصی گرجی است، امتیازش در شمار امتیازات ملغی شده توسط دولت روس قرار نمی‌گیرد و برای فروش امتیاز راهی لندن شد (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۴). حسینعلی نامی به دولتمردان ایرانی خبر داد که یکی از اتباع روس در تلاش برای واگذاری امتیاز معادن گیلان و مازندران به انگلیسی‌هاست و این امر به «... استقلال اقتصادی [ایران] لطمه می‌زند» (همان: ۱۰۵-۱۰۴). در هر حال خوشتاریا موفق شد با رفتن به لندن، طی مذاکره با شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) امتیازش را با بیان دلایلی برای قانع کردن آنان در ازای یکصد هزار لیره نقد و وعده‌ی پرداخت مبلغ بیشتری در آینده به فروش برساند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۹۰؛ فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۱-۳۳۰؛ فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۲). دلایلی که خوشتاریا برای آن‌ها آورد این بود که یک دولت قانونی امتیاز

او را امضا کرده بنابراین در صورت لزوم می‌توان آن را به تصویب مجلس رساند؛ همچنین سپهسالار که امتیاز را امضا کرده فرمانی از شاه مبنی بر واگذاری سه نقطه مهم امتیاز یعنی محال ثلاث مازندران داشته است (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۱-۳۳۰). فرشادگهر در کتاب *سیری در قراردادهای نفتی در ایران* آورده که انگلیس خواهان کسب امتیاز خوشتاریا بوده است. «در پی انقلاب کمونیستی در روسیه و روی کار آمدن وثوق‌الدوله، یکی از اهداف انگلیس‌ها از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ در اختیار گرفتن قرارداد خوشتاریا بود. در نامه ۱۳ دسامبر ۱۹۱۹م. سرپرسی کاکس به وثوق‌الدوله در این پیوند آشکارا گفته بود که قرارداد امتیاز خوشتاریا لغو یا فاقد اعتبار اعلام گردد و اگر دولت ایران بخواهد امتیاز نوینی در این‌باره اعطا نماید، مصلحت ایران دادن حق تقدم به کمپانی‌های انگلیسی می‌باشد» (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۲). در ماه مه ۱۹۲۰م / ۱۳۳۸ق. شرکت نفت ایران و انگلیس، شرکت تابعه‌ای به نام «شرکت نفت‌های شمال ایران» تشکیل داد (الول ساتن، ۱۳۷۲: ۵۲؛ فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۱).

موضوع قابل توجه، ملغی بودن امتیازاتی بود که در غیاب مجلس داده شده بود (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۵). طبق اصل بیست و چهارم قانون اساسی رسمیت یافتن امتیاز، تنها با تصویب مجلس امکان‌پذیر است. پس از سقوط کابینه وثوق‌الدوله نه تنها نخست‌وزیر بعدی، بلکه خود وثوق‌الدوله که باز به مرتبه نخست‌وزیری نائل شده بود، از تصدیق این امتیاز امتناع ورزید. با شنیدن خبر فروش این امتیاز به شرکت نفت ایران و انگلیس، وزارت «فوائد عامه و فلاحات» که امتیازات معادن به آن ارتباط داشت در مجله‌اش به نام فلاحات شماره‌های اول خرداد ۱۲۹۷ و اول مرداد ۱۲۹۷ هـ.ش بطلان این امتیاز را این‌گونه به اطلاع عموم رساند: «امتیازاتی که در غیاب مجلس به زور و فشار از دولت گرفته شده ملغی است و کسی حق معاملات آن را ندارد» (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۶؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). حسن پیرنیا (مشیرالدوله) که در آن زمان عهده‌دار ریاست دولت ایران بود طی یادداشتی رسمی بی‌اعتباری امتیاز خریداری شده را به اطلاع سفارت انگلیس در تهران رسانید (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۱).

رقابت دولت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا بر سر نفت شمال

رقابت بین انگلیس و آمریکا بر سر به دست آوردن امتیازات نفت در اغلب کشورها در جریان بود و با اعتراض آمریکا نسبت به امتیاز خریداری شده خوشتراریا توسط انگلیس، این رقابت وارد کشور ایران شد که آن امتیاز را مخالف با اصل «در گشوده» می‌دانست. به موجب این اصل هیچ کشوری نمی‌تواند حق انحصاری منابع نفتی کشور دیگری را در اختیار داشته باشد، چون هم‌هی کشورها باید مجاز به تحصیل این‌گونه امتیازات باشند. در طرف مقابل، انگلیسی‌ها درصدد بودند تا مانع دخالت آمریکائی‌ها شوند. از طرف دیگر، وزیرمختار ایران در واشنگتن (حسین علاء) طی اعلامیه‌ای دولت ایران را خواهان واگذاری امتیاز به اتباع آمریکا اعلام کرد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۲-۳۳۱). دولت آمریکا در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۲۰ م. ۲۷/ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ ق. نیز خشنودی خود را از این تصمیم ایران ابراز کرد و پیشنهاد شرکت آمریکائی نیوجرسی (استاندارد اوپل) به وزارت خارجه آمریکا برای ورود به عملیات در شمال ایران را به اطلاع این دولت رساند. وزیر خارجه ایران ضمن بیان بی‌اعتباری امتیاز خوشتراریا، این نکته را یادآور می‌شود که به علت تعطیل بودن مجلس شورای ملی در ارتباط با دادن امتیاز به شرکت‌های آمریکائی نمی‌تواند تصمیمی بگیرد و باید پس از بازگشایی مجلس در ارتباط با آن مذاکره کرد (همان: ۳۳۲).

آمریکائی‌ها معتقد بودند چون در جنوب انحصار نفت در اختیار انگلیس است، در شمال ایران باید چنین امتیازی از آن آمریکا شود (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۳). بعد از سقوط حکومت سیدضیاءالدین در ۳ خرداد ۱۳۰۰ ش.، قوام‌السلطنه به جای او نشست. از این تاریخ رضاخان سردارسپه قوی شد و در مدت دو سال و نیمی که وزیر جنگ بود با تحکیم موقعیت خود و با کمک ارتش جدیدی که تأسیس کرده بود زمامدار واقعی به شمار می‌رفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۲). قوام‌السلطنه در مدت نخست وزیریش (۱۴ خرداد - ۲ بهمن ۱۳۰۰ ش.) پیشنهاد

اعطای امتیاز نفت شمال به کمپانی استاندارد اویل را به پیش می‌برد (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۷؛ نجمی، ۱۳۷۰: ۱/ ۶۷؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۸۴-۸۳). دلایل قوام برای این تصمیم بهبود اوضاع خراب مالی کشور و یافتن منبع درآمدی برای خزانه دولت بوده است (همان: ۱۲). از دلایل محبوبیت آمریکا برای ایران می‌توان از مخالفت آمریکا با قرارداد وثوق‌الدوله و طرفداری از ایران در کنفرانس صلح ورسای نام برد (همان: ۱۳-۱۲). چند ماه پس از کودتای ۱۲۹۹ش. سفارت ایران در واشنگتن با شرکت استاندارد نیوجرسی مذاکره کرد. حاصل این گفتگو تصویب قانونی پنج ماده‌ای در جلسه‌ی ۲۹ آبان ۱۳۰۰ش. / ۲۰ نوامبر ۱۹۲۱م. مجلس شورای ملی به شرح زیر بود:

ماده‌ی اول - مجلس شورای ملی واگذاری امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان، خراسان، گیلان، استرآباد و مازندران به کمپانی استاندارد اویل آمریکائی تصویب می‌نماید. ماده‌ی دوم - مدت زمان امتیاز ۵۰ ساله است. ماده‌ی سوم - حقوق دولت ایران بیشتر از صدی ده از کلیه‌ی نفت و مواد نفتی است که کمپانی از چاه‌ها استخراج می‌کند، قبل از آنکه هرگونه خرجی به آن تعلق بگیرد. ماده‌ی چهارم - شرایط دیگر این امتیاز از قبیل تسعیر حقوق دولت، با توجه به صلاح دید دولت از پرداخت آن و طرز نظارت دولت ایران و عواید کمپانی و شرایط ابطال‌کننده این امتیاز و سایر شرایط را دولت پس از مذاکره با کمپانی تهیه و به مجلس شورای ملی پیشنهاد دهد. ماده‌ی پنجم - کمپانی حق واگذاری امتیاز به هیچ دولت یا کمپانی یا شخصی را ندارد، در غیر این صورت امتیاز بی‌اعتبار خواهد شد (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۸-۱۹۷).

شرکت استاندارد اویل دو انگیزه داشت: توسعه و افزایش توان ذخایرش و به‌خاطر مشکلی که در تأمین احتیاجات بازارهای آسیایی و اروپایی خود از سال ۱۸۸۰م. / ۱۲۹۸ق. برایش به وجود آمده بود. با توجه به در خطراتادن موقعیت این شرکت به خاطر رشد صنعت و ذخایر قابل توجه چاه‌های باکو و نزدیکی آنها به بازارهای آسیایی و اروپایی و هزینه اندک حمل آن، توجه این شرکت معطوف به منابعی شد که در آن منطقه قرار داشته باشد و با بهره‌برداری از

آن‌ها به رقابت با چاه‌های باکو پردازد و در این بین بهترین گزینه ذخایر نفت شمال بود که در مجاورت چاه‌های باکو بود (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۹-۱۰۸).

خسرو سرمد در ارتباط با نقش حساس آمریکا در تاریخ صنعت نفت دلایلی را برمی‌شمرد و از آن جمله:

«الف. آمریکا اولین کشوری می‌باشد که در جهان، اکتشافات نفت را به صورت صنعتی رواج داد و در واقع بنیان‌گذار نفت بود. ب. یگانه کشوریست که در آن مالکیت منابع زیرزمینی متعلق به صاحب زمین می‌باشد. ج. سیستم سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی بی نظیر این کشور موجب گردید که گسترش صنعت نفت خیلی سریع از مرزهای ملی پا فراتر بگذارد» (سرمد، ۱۳۵۸: ۶۳).

انقلابات گیلان و سایر نواحی و فشار ارتش‌های متفقین به ایران، تشکیل احزاب مختلف و یک آزادی موقتی، باعث بیداری ملت و تلاش برای اصلاحات و عمران کشور شد (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۷) و به خاطر مشکل دولت در امر بودجه، استخراج نفت به درآمد دولت کمک می‌کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۲). به این دلایل واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت استاندارد اوایل با پذیرش مردم همراه بود (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۷).

در آن طرف ماجرا، مخالفین این امتیاز یعنی روس و انگلیس بودند. طبق ماده دوازده عهدنامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. (۸ اسفند ۱۲۹۹ ش.) بین ایران و شوروی، تمامی امتیازات پیش از انقلاب که توسط دولت تزاری یا شهروندانش گرفته شده بود به ایران پس داده شد (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۳-۸۲). ماده سیزده همین عهدنامه حاکی از این است که امتیازاتی را که به ایران پس داده، نباید در اختیار هیچ دولت و اتباع ثالثی قرار بگیرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۳). سفارت شوروی، واگذاری امتیاز به کمپانی استاندارد را با توجه به اینکه خوشتریا تبعه روس تزاری بوده، لذا امتیاز وی در زمره امتیازاتی است که طبق ماده دوازده به ایران پس داده

شده، اما دولت ایران ماده سیزدهم را رعایت نکرده است و بدین ترتیب متعرض امتیاز شد. وزیرمختار شوروی به علت عدم تصویب عهدنامه مابین ایران و شوروی توسط مجلس، ماده‌ی دوازدهم این قرارداد را ملغی اعلام کرد (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۵).

دولت ایران در پاسخ به این دولت، عدم تصویب امتیاز خوشتاریا توسط مجلس شورای ملی را خاطرنشان کرد (طاهراحمدی، ۱۳۷۴: ۱۹۹) و این عهدنامه را به عهدنامه‌های بین دول ایران و روس مرتبط ندانست (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۴؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۳). طبق ماده بیست و چهار عهدنامه ۱۹۲۱م. که به امضای چیچرین کارخان و مشاورالممالک رسیده بود، قرار بر این بود که عهدنامه ظرف سه ماه تصدیق و در تهران ظرف مدت زمانی کوتاه مبادله گردد. دولت ایران اسناد قطعی را مبادله نکرد و به این خاطر عهدنامه ۱۹۲۱م. فاقد ارزش حقوقی بود، اما تنها حربه شوروی، پیش کشیدن بحث این قرارداد بود. دولت شوروی مدعی این بود که تاکنون دولت ایران می‌بایست عهدنامه را به سفارت روسیه داده باشد و در صورتی که خواهان واگذاری امتیاز به آمریکا بوده، بایستی پس از اخذ رضایت آن‌ها با آمریکا وارد معامله شود (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۲؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۳).

در برابر این ادعا، روزنامه شفق سرخ شماره ۶ آذر ۱۳۰۱ش. در مقاله‌ای تحت عنوان

«کابینه‌ی حاضر و سفارت روس» در قسمت چهار چنین نوشت:

«... روسیه سوسیالیستی که به خودش حق نمی‌دهد، مانند انگلستان در امور ما مداخله نماید نباید یک همچو اظهاراتی بنماید و نباید متوقع باشد که ما در شئون داخل و اقتصادی زیر کوچکترین نفوذا واقع شویم» (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۹). لازم به ذکر است که این اختلاف منجر به قطع مذاکرات بازرگانی شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۳) و شوروی نخستین بازنده این رقابت شد، اما منتظر زمان مناسب برای اجرای نقشه‌اش ماند (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳).

انگلیسی‌ها لغو قرارداد خوشتاریا را قبول نداشتند (همان: ۱۰۷) و بر این امر تأکید داشتند که چون خوشتاریا امتیازش را به شرکت نفت ایران و انگلیس واگذار کرده دولت ایران حق

ندارد آن را به کمپانی دیگری واگذار کند (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۴). در واقع انگلیس مدعی بود امتیاز استخراج نفت شمال متعلق به اوست (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۵). قوام السلطنه در جلسه‌ی ۲۳ آبان ۱۳۰۰ ش. در مجلس شورا اظهار کرد که دولت ایران همواره امتیاز خوشتاریا را باطل اعلام کرده است (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۷)؛ همچنین دولت بیان داشت که لغو این امتیاز به سفارت انگلیس اطلاع داده شده است (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۴).

در ۷ دسامبر ۱۹۲۱ م. ۱۶/ آذر ۱۳۰۰ ش. سفیر بریتانیا در واشنگتن (اوکلند گدس) اعتراض خود را نسبت به فعالیت‌های شرکت نفت آمریکایی در ایران طی یادداشتی به وزارت خارجه آمریکا اعلام داشت؛ علاوه بر این، شرکت نفت ایران و انگلیس از عدم دادن اجازه برای حمل نفت شمال از اراضی حوزه امتیازش خبر داد؛ همچنین دستوری به بانک شاهنشاهی داده شد، مبنی بر اینکه از آن پس حق دادن دیناری بابت وام به ایران را ندارد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۳). در نهایت دولت انگلیس تصمیم گرفت از در صلح با آمریکا وارد شود. بدین منظور لرد کدمن به آمریکا سفر کرد و سازشی بین منافع نفتی این دو دولت به وجود آورد. کدمن با خاطرنشان ساختن اینکه حق انحصاری ایجاد لوله نفت به خلیج فارس طبق امتیاز داری متعلق به آن‌هاست، در صورت کشف نفت در شمال ایران توسط شرکت نفت استاندارد، شرکت مزبور می‌بایست یا شوروی را انتخاب و از راه شمال استفاده کند یا با شرکت نفت بریتانیا برای کسب اجازه احداث لوله سازش نماید. کدمن صلاح را در سازش انگلیس و آمریکا و شراکت پنجاه - پنجاه طرفین بر سر امتیاز نفت شمال می‌دانست و این پیشنهاد مورد قبول آمریکا واقع گردید (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۵؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶-۱۱۶).

در ۱۸ مارس ۱۹۲۲ م. روزنامه واشنگتن پست با مقاله‌ای تحت عنوان «انحراف سیاست نفت انگلستان به جانب آمریکا» گفتگو و سازش پنهانی دو دولت مذکور را برملا ساخت (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). به رغم انتشار این خبر، نماینده ایران در آمریکا - حسین علاء - درصدد احراز وام پنج میلیون دلاری از استاندارد اوپل بود.

شوروی که از طریق خبرچینان از قضیه مطلع شده بود، مراتب را به اطلاع دولت ایران رساند و بیان داشت که حضور انگلیس در مرز شمالی ایران به صلاح این کشور و شوروی نخواهد بود و توصیه‌اش به ایران، مبادله قرارداد ۱۹۲۱م. برای مانع ساختن در برابر توطئه‌های امپریالیستی و پیشنهاد برای به صحنه آوردن آلمان برای استفاده از امکانات بیشتر بود (همان: ۱۱۴-۱۱۳). روس‌ها ایران را تحت فشار گذاشتند، به طوری که اشکالات سیاسی متعددی برای ایران به همراه داشت (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۶).

دولت ایران مخالفت خود را با سازش انگلیس و آمریکا و مشارکت انگلیس در امتیاز نفت شمال بیان داشت (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۵؛ فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۶؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶). آمریکا از خود دفاع کرد و به دولت ایران اطلاع داد که:

«الف - قراردادی بین شرکت استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد شده که نفت شمال را با شرکت یکدیگر بهره‌برداری نمایند. ب - طبق قرارداد مزبور شرکت استاندارد مسئول اداره کردن شرکت نفت ایران و آمریکا خواهد بود و اکثریت آرای هیئت مدیره هم با آن خواهد بود. ج - دولت آمریکا طرفدار سیاست «در گشوده» بوده و به این مناسبت توافقی را که بین دو شرکت شده است تصویب می‌نماید» (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۵).

دولت ایران علاوه بر مخالفت با این اظهارات آمریکا، مذاکرات مربوط به گرفتن قرضه از بانک مورگان آمریکایی را به علت وابستگی به امتیاز استاندارد قطع کرد (همان: ۳۳۶). در ۲۵ خرداد ۱۳۰۱ش. ماده اول و پنجم قانون اعطای امتیاز معادن نفت شمال توسط مجلس اصلاح شد. این اصلاحات بدین قرار بود:

«مجلس شورای ملی واگذارن امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان، خراسان، گیلان، استرآباد، مارندران به کمپانی استاندارد

اوایل یا کمپانی معتبر مستقل آمریکائی دیگری به شرایط ذیل تصویب می‌نماید. کمپانی استاندارد اوایل یا هر یک از کمپانی‌های آمریکائی که مورد قبول واقع شود نمی‌تواند به هیچ‌وجه این امتیاز را به هیچ دولت یا کمپانی یا شخصی انتقال بدهد و همچنین شراکت با سرمایه‌داران دیگر منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران است» (همان: ۳۳۶).

دولت انگلیس با بیان موضوع بازپرداخت بدهی‌های معوقه ایران، خواستار پذیرش درخواست‌هایش از دولت ایران بود؛ بنابراین، مجلس ایران به جای کلمه «استاندارد اوایل» از لغت «هر یک از کمپانی‌های آمریکایی» استفاده کرد. این لغت بیانگر آمادگی ایران برای معامله با شرکتی غیر از استاندارد اوایل بود و البته مشروط بر آنکه شرکت جدید بتواند وامی ده میلیون دلاری به ایران بدهد (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۱۶).

نکته‌ای که نگارنده تنها در کتاب رقابت شوروی و انگلیس در ایران مشاهده کرد و آن را جالب توجه یافت، این نکته است که در اواخر آبان ۱۳۰۱ هـ.ش چند تاجر ایرانی به فکر اخذ امتیاز و استخراج نفت با سرمایه‌های خود افتادند. پیشنهاداتی مبنی بر استخراج معادن ولایت مازندران البته با همان شرایط که به کمپانی استاندارد اوایل داده شده بود، تقدیم مجلس شد. پیشنهاد دیگر راجع به استخراج نفت از اراضی مازندران و گیلان نیز با همان شرایط ذکر شده بود؛ همچنین، شخصی به نام حاج امین‌الضرب، خواستار استخراج انحصاری نفت ایالت گیلان و باز هم با همان شرایط کمپانی مذکور بود. دو نفر وکیل مجلس او نیز به دفاع از حاج امین‌الضرب خواهان جدایی ایالت گیلان از امتیازنامه شدند. به دنبال آن عده‌ای از تجار گیلانی مدعی شدند که نباید تنها حاج امین‌الضرب از نفت گیلان استفاده کند و باید نفت گیلان به تجار گیلانی داده شود. در این زمان بود که خبر قرارداد مابین کمپانی استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس برملا شد و تمام دوره این مجلس به بحث درباره‌ی نفت گذشت تا اینکه با

بازگشایی مجلس پنجم، تاریخ سرنوشتی دیگر را برای ایران رقم زد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۱۹۹).

رقابت دو شرکت آمریکایی استاندارد نیوجرسی و سینکلر در زمان رضاخان

به دنبال مخالفت ایران با قرار مشارکت کمپانی انگلیس و ایران و استاندارد نیوجرسی، شاهد ورود نماینده شرکت نفت سینکلر به تهران در ماه اوت ۱۹۲۲م. / مرداد ۱۳۰۱ش. و تقدیم شرایط برای کسب امتیاز نفت شمال به دولت هستیم. شرایط طرح شده توسط شرکت مزبور به شرح زیر است:

۱. مدت امتیاز بین چهل تا پنجاه سال باشد؛ ۲. اراضی بایر دولتی که مورد احتیاج امتیازگیرنده است مجاناً واگذار شود و اراضی دایر دولتی و خصوصی به قیمت عادلانه خریداری گردد؛ ۳. کلیه اثاثیه و ملزومات برای عملیات امتیاز از کلیه حقوق گمرکی و عوارض معاف باشد؛ ۴. امتیازگیرنده شرکت یا شرکت‌هایی برای استخراج نفت تشکیل خواهد داد و تعهد می‌کند کلیه سهام شرکت‌های مزبور منحصراً در دست ایرانیان و آمریکاییان باشد و نیز تعهد می‌کند که سهام مزبور را به هیچ دولت یا شرکت خارجی انتقال ندهد و در صورت تخلف امتیاز ملغی باشد؛ ۵. سایر شرایط امتیاز طبق قانون مربوط به شرکت نفت استاندارد و با توافق طرفین تنظیم گردد» (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۶).

سینکلر قبل از این موفق به کسب امتیاز نفت ساخالین از شوروی شده بود و با گرفتن قرارداد نفت شمال ایران پیروزی او تکمیل می‌شد (همان: ۳۳۷؛ فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۶). قرارداد این شرکت با شوروی، ایران را به سمت این باور سوق داده بود که انتخاب شرکت سینکلر با مخالفت شوروی روبرو نخواهد شد (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۱۷). سینکلر در اواخر سال ۱۹۲۳م. با

یک رسوایی مالی مواجه گشت و انتشار این خبر که عده‌ای کشف آن را به شرکت استاندارد مربوط می‌دانند باعث لغو قرارداد او با دولت شوروی شد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۸).

هدایت اوضاع آن روز را این‌گونه بیان می‌کند: «استاندارد اوایل پیشنهادی داده بود، سینکлер شرایط بهتر پیش آورد، فتنه میان نمایندگان و روزنامه‌نویسان افتاد، همه از نمذ کلاه می‌خواهند، بین شرایط این و آن جمع کرده و به مجلس آوردند (قوس) به تصویب رسید، فریاد مسکو بلند شد که در جوار روسیه بدون موافقت روسیه اجرای امتیاز نفت صورت‌پذیر نیست. قوام در مجلس اظهار داشت کمپانی یکصد هزار سهم کمیسیون داده است تقدیم مجلس می‌شود، لوچه‌ها آویزان شد» (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

این بار رقابت بین دو شرکت آمریکایی یعنی استاندارد اوایل و رقیب جدیدش سینکлер بود. دولت انگلیس هم معترض اعطای امتیاز به سینکлер بود (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۶) و به حمایت از شرکت استاندارد اوایل پرداخت (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۶). حامی شرکت سینکлер علاوه بر نمایندگان آن تا اندازه‌ای سفارت شوروی به حساب می‌آمد (همان: ۳۳۶). دولت انگلیس ایران را مجاز به لغو امتیازی بدون گذراندن مراحل قانونی نمی‌دانست و لغو امتیاز استاندارد اوایل را به معنای این قلمداد کرد که در ایران اعطای امتیازات، بازیچه‌ای بیش نیست (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۱۸).

قانون تصویبی مجلس شورای ملی در ۲۳ جوزا (خرداد) ۱۳۰۲ ش. شامل شرایط اساسی برای اعطای امتیاز نفت شمال به یک شرکت معتبر مستقل آمریکایی بود. این شرایط شامل سی و دو ماده بود (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۸-۱۰۰). ماده‌ی چهارم این قانون، این نکته را روشن کرد که صاحب امتیاز باید لااقل ده میلیون دلار به وسیله‌ی بانک‌های معروف آمریکا به دولت ایران قرض دهد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۸). حوزه‌ی امتیاز محدود به خراسان و آذربایجان (اردبیل جزو آن حساب می‌شد) و دو ایالت از سه ایالت شمالی واقع در سواحل دریای خزر (گیلان، مازندران، استرآباد) مشخص شد (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۸۸). علاوه بر این، ماده‌ی چهاردهم، ممنوعیت واگذاری امتیاز به هیچ دولت یا شرکت خارجی را گوشزد کرد و اینکه امتیاز باید به طور انحصاری در

دست آمریکایی‌ها می‌بود (همان: ۹۱). طبق ماده سوم، دولت پس از پایان مذاکرات و امضای امتیاز، اعتبار آن را مشروط بر تصویب مجلس شورای ملی کرده بود (همان: ۸۸).

رضاخان، با انتصاب دکتر آرتور میلسپو از وزارت امور خارجه آمریکا به عنوان خزانه‌دار کل ایران، درصدد جلب کمک آمریکایی‌ها برآمد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۶۳).^۱ میلسپو همراه با گروهی یازده نفره در ۲۷ آبان ۱۳۰۱ ش. وارد تهران شده بود. از جمله اقدامات آن‌ها جلب علاقه آمریکا به منظور بهره‌برداری از ذخایر نفتی ایران بود که به موجب آن، نمایندگان شرکت سینکالر برای مذاکره در ارتباط با نفت شمال وارد ایران شدند (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۴۴۹؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۴). میلسپو علاوه بر دخالت در کارهای شرکت نفت ایران و انگلیس، تلاش می‌کرد تا مانع پیشرفت روابط ایران و شوروی شود (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۴۴۹)؛ در واقع ضد منافع انگلیس و شوروی عمل می‌کرد. به‌رغم تلاش انگلیس برای به تعویق انداختن اعطای امتیاز نفت، در ۲۰ سپتامبر ۱۹۲۳ م. ۲۹/ شهریور ۱۳۰۲ ش^۲ بین رضاخان سردارسپه که در این زمان نخست‌وزیر کشور بود و ا.ر.سایر، نماینده‌ی شرکت سینکالر، قراردادی درباره‌ی امتیاز نفت شمال ایران امضاء شد. رضاخان در این باره گفته است: «این یکی از بزرگ‌ترین لحظات تاریخ ایران است. ما قصد آن داریم که قدرت اقتصادی روسیه و انگلیس را در ایران ملغی سازیم. این امتیاز که به یک شرکت آمریکایی داده شده است، سرآغاز یک همبستگی قوی‌تر و نزدیک‌تر بین ایران و آمریکا می‌باشد» (زرگر، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

شرکت استاندارد به خاطر قراردادی که با شرکت نفت ایران و انگلیس بسته بود و سابقاً به آن اشاره شد، مشمول قانون مصوب نمی‌شد؛ بنابراین، این قرارداد با شرکت سینکالر منعقد گشت (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۸). در ماه آوریل ۱۹۲۴ م. (فروردین ۱۳۰۳ ش.) دولت با تقدیم لایحه به

^۱. گفتنی است که در دیگر کتب، مذاکره در ارتباط با واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت سینکالر و آوردن میلسپو به ایران منتسب به قوام‌السلطنه می‌باشد و از آن جمله تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز اثر گرانوسکی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی اثر هوشنگ مهدوی.

^۲. مصطفی فاتح در کتاب پنجاه سال نفت ایران، تاریخ واگذاری امتیاز به شرکت سینکالر را در آذرماه ۱۳۰۲ ش. (دسامبر ۱۹۲۳ م.) بیان می‌کند. هم‌چنین این امتیاز را شامل پنج ایالت شمالی به استثنای گیلان می‌داند.

مجلس، خواهان تصویب امتیاز امضا شده بود. به دنبال آن، دولت انگلیس باز هم اعتراض داشت و عدم رضایت خود را نسبت به واگذاری حق الامتیاز دولت ایران از نفت جنوب به عنوان وثیقه برای وام ده میلیون دلاری مربوط به امتیاز سینکلر اظهار داشت؛ همچنین، بار دیگر بحث امتیاز خوشتاریا و دعاوی اش را نسبت به آن خاطر نشان ساخت. دولت ایران هم اعتنایی به این اعتراضات نکرد و مجلس، لایحه دولت را تصویب و گزارش آن را برای بحث و تصویب، تقدیم مجلس کرد (همان: ۳۳۹). در مجلس پنجم جلسه ۲۳ سرطان (تیر) ۱۳۰۳ ش. ماده واحده تصویبی مربوط به اعطای امتیاز نفت قطعات چهارگانه آذربایجان به انضمام اردبیل، خراسان، استرآباد، مازندران به انضمام تنکابن به کمپانی سینکلر آمریکایی به پیوست امتیازنامه‌ای در بیست و هشت ماده تقدیم مجلس شد. نکات حائز اهمیت این امتیازنامه، یکی مسئله‌ی هشتصد هزار دلار طلا برای همه مخارج استخراج نفت و غیره به جز مخارج لوله‌کشی است که این نکته را روشن می‌نماید که استخراج نفت به سرمایه‌ای زیادی نیاز نداشت، چون استخراج و تصفیه نفت ربطی به لوله‌کشی ندارد. موضوع دیگر آنکه کمپانی بر این باور بوده که شاید مخارج کلی لازمه کمتر از هشتصد هزار دلار طلا شود. در واقع منافی که این امتیازنامه برای ایران داشت بیداری ملت برای گرفتن حق خود بود؛ چون در آن زمان انگلیسی‌ها از نفت جنوب بهره می‌بردند و در ازای آن بهایی بسیار اندک می‌پرداختند. نفع حاصله دیگر، نجات ایران از مخاطره حیات اقتصادی اش به واسطه وجود فروشنده دیگر نفت در داخل کشور بود (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۲۰۲-۱۹۹).

ماجرای قتل ماژور ایمری

به دنبال بروز شایعاتی درباره معجزه سقاخانه بازارچه آقا شیخ هادی، دو نفر از بستگان سفارت آمریکا در تهران به محل سقاخانه رفتند و یکی از آنها (ماژور رابرت ایمری) کنسول یار سفارت آمریکا، هنگامی که قصد عکس برداری از این سقاخانه و جمعیتی را که گرد آن حلقه

زده بودند داشت، در میان جمعیت با فریاد «او بهایی است! او بابی است! او را باید کشت!» مواجه شد. با آنکه چند تن از مأموران پلیس در محل حاضر بودند؛ با این حال، ماژور ایمبری به توسط جمعیت متعصب و خشمگین کشته شد و دوست وی نیز به سختی مجروح گردید (لسانی، ۱۳۵۷: ۳۷۸-۳۸۲).

به دنبال قتل ماژور ایمبری در تهران که به تحریک عوامل خارجی^۱ و رقابت تراست‌های نفتی صورت گرفته بود، فروغی وزیر مالیه ایران به سفارت آمریکا رفت و ضمن اظهار تأسف شدید از این حادثه، اطلاع داد که دولت ایران مبلغ شصت هزار دلار برای حمل جنازه ایمبری به وسیله یک کشتی آمریکایی می‌پردازد.

در مجله خواندنی‌ها سال دوازدهم، شماره بیست و هفت در صفحات ۸-۱۰ به شرح چگونگی قتل ایمبری در هنگام عکس‌برداری از این سقاخانه در ۲۷ تیر ۱۳۰۳ ش. پرداخته است (فهرست مقالات و مطالب مجله خواندنی‌ها درباره تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۷: ۱/۴۶۹-۴۷۰)؛ همچنین در سال هجدهم، شماره هجده، صفحات ۱۹-۲۱ درباره واقعه قتل ماژور ایمبری در سقاخانه شیخ هادی و روابط ایران و آمریکا سخن به میان آمده است (همان: ۲/۹۴۶). ترجمه چند مطلب از نشریات خارجی این مجله بدین قرار است:

«مقامات رسمی شرکت نفت آمریکایی در نیویورک روز گذشته چنین پیش‌گویی کردند که هرگاه وزارت خارجه یا کنگره راجع به قتل ماژور ایمبری، کنسول یار آمریکا در تهران که در ۱۸ ژوئیه به دست جماعتی از مردم تهران کشته شده، تحقیقاتی بنماید صحت گزارشی که از پاریس مخابره و روز گذشته در روزنامه «هرالد تریبون» انتشار یافت، مسلم می‌گردد» (نیویورک هرالد تریبون، ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۴ م، هفتم مهر ۱۳۰۲ ش. به نقل از: کرباسچی، ۱۳۸۰: ۷).

^۱. در خصوص این مطلب به کتاب مصطفی فاتح رجوع شود.

بر اثر این حادثه، به دستور رضاخان (سردار سپه) در تهران، حکومت نظامی اعلام شد و سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه به سمت حاکم نظامی پایتخت منصوب گردید. بر اساس فرمان رئیس الوزرا قرار شد که مقامات انتظامی هرچه زودتر به جریان قتل ماژور ایمری رسیدگی نمایند (همان: ۴۱). افراد درگیر در ماجرا اعدام شدند (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۴۰).

«دولت آمریکا به مناسبت قتل ماژور ایمری اولین قرارداد نفت خود را با ایران که در مراحل نهایی توافق بود ملغی کرد، در نتیجه ایران باز هم به صورت تولیدکننده انحصاری نفت برای انگلستان باقی ماند» (کرباسچی، ۱۳۸۰: ۴۱).

توجیه آن‌ها از این حادثه که در واقع بهانه‌ای بیش نبود این مسئله است که در جایی که اتباع خارجه مصونیت جانی نداشته باشند، نمی‌توان به استخراج نفت نایل آمد (نجمی، ۱۳۷۰: ۳۱۱). فاتح که معاون مسترفرلی نخستین نماینده اداره‌ای بود که شرکت نفت ایران و انگلیس در تهران تأسیس کرده بود (فاتح، ۱۳۵۸: ۴)، انصراف سینکلر از امتیاز نفت شمال، آن هم به خاطر قتل ماژور ایمری را بی‌اساس می‌داند. از آنجا که دولت شوروی قراردادش را با شرکت سینکلر ملغی اعلام کرد و این امر یعنی اینکه شرکت سینکلر نخواهد توانست نفت شمال را از راه قفقاز صادر کند، در نتیجه امتیاز خود به خود متفی شد. این قضیه مربوط به قبل از قتل ایمری است، حتی زمانی که دولت ایران حاضر شد ماده‌ی مربوط به وام ده‌میلیون دلاری را از شرایط امتیاز بردارد، باز هم کمپانی سینکلر امتیاز را رد کرد. با توجه به این توضیحات سرمایه‌داری بزرگ چون آمریکا که برای رسیدن به اغراض خود از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند، تنها به واسطه قتل یک نفر دست از خواسته‌های خویش بردارد (همان: ۳۴۲-۳۴۱). خسرو سرمد نیز محرومیت آمریکا از نفت ارزان خاورمیانه را فاجعه‌ای تاریخی می‌داند. نفت گران در جاهای دیگر قابل دستیابی است؛ بنابراین، به‌دست آوردن نفت خاورمیانه برای آمریکا مزیتی اقتصادی محسوب می‌شود (سرمد، ۱۳۵۸: ۱۰۵).

دادن امتیاز نفت به شرکت آمریکایی امیرانین

طبق تلگراف نمرة ۲۸ دی ماه ۱۳۱۵ ش.، علی اکبر داور که در این زمان وزیر مالیه بود دو لایحه در خصوص واگذاری امتیاز استخراج نفت در دو ولایت از ایالات شرقی و شمال شرق کشور به کمپانی آمریکایی امیرانین و همچنین حق غیر انحصاری لوله‌کشی تا دریای آزاد به مدت شصت سال را به مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم نموده بود (آرشیو ملی ایران، ۱۳۱۵(ب): ۲).

در ۱۵ بهمن ۱۳۱۵ ش.، قانون اعطای امتیاز نفت قسمتی از شرق و شمال شرق به شرکت نفت امریکا و ایران (آرشیو ملی ایران، ۱۳۱۵(الف): ۳) که شامل بیست و نه ماده بود، به تصویب مجلس رسید (همان: ۱۶). این قرارداد به امضای شارل کارلر هارت و فریدریک کارنر کلاب، نمایندگان شرکت نفت امریکا و ایران و علی اکبر داور رسیده بود (همان: ۱۵). رئیس مجلس شورای ملی در این زمان حسن اسفندیاری و رئیس الوزرا محمود جم بودند (همان: ۱۶).

طبق ماده اول این قانون، دولت به شرکت، حق انحصاری جستجو و استخراج نفت را داده و در تمام خاک ایران هم حق غیر انحصاری حمل و تصفیة نفت را به شیوه‌ای که آن را قابل تجارت کند و نیز انبارکردن و فروختن نفت در ایران و صادر کردن آن را به شرکت اعطاء کرده است (همان: ۳) و براساس ماده پنجم نیز حق غیر انحصاری ساخت و دارا بودن لوله‌های نفت و همچنین تعیین ابتدا و انتها و جای لوله‌های نفت و سایر مؤسسات و عملیات خود را (البته با رعایت حقوقی که قبلاً به شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران در بیست و نهم آوریل ۱۹۲۳ م. داده شده) داشته است (همان: ۴). با اینکه حقوق آمریکا در این مواد غیر انحصاری است، تا حدودی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی ایران به ورود نیروی سوم یعنی آمریکا باشد.

در ۱۸ بهمن ۱۳۱۵ش.، قانون اجازه ساخت و نگاهداری لوله‌ی حمل نفت به شرکت لوله نفت ایران (آرشیو ملی ایران، ۱۳۱۵(الف): ۱) که مشتمل بر بیست و شش ماده بود، به تصویب مجلس شورای ملی رسید (همان: ۱۳).

در این قرارداد منظور از شرکت یعنی شرکت لوله نفت ایران از ممالک آمریکا و تمام شرکت‌های تابعه آن (همان: ۱)، نفت مدنظر هم شامل همه نفت‌های خام و تمام محصولات و مشتقات مایع آن‌ها و نیز سایر مواد سوختنی که در حال مایع و یا گاز بوده و قابل حمل با لوله باشد، می‌گردد (همان: ۲).

بر اساس ماده اول این قرارداد، از طرف دولت، یعنی دولت شاهنشاهی ایران برای ساختن و نگاهداری لوله حمل نفت، به شرکت حق غیر انحصاری داده شده و انتخاب نقاط برای تعیین لوله نفت نیز با رعایت حقوقی که به شرکت‌های دیگر داده شده و یا خواهد شد، امکان‌پذیر بوده است (همانجا).

نکته حائز اهمیت در این اسناد، توجه دولت ایران به حقوق سایر مؤسسات ایرانی یا خارجی است که در ایران حق استخراج نفت داشته‌اند و از این مؤسسات تحت عنوان «عموم» یاد شده است. در واقع این امر که به دولت آمریکا حق غیر انحصاری داده نشد، نشان استفاده از سیاست «در گشوده» است که قبلاً بدان پرداخته شد. به‌رغم علاقه رضاشاه به ورود نیروی سوم به صحنه سیاست خارجی کشور ایران، این امر مانع از آن نشده که برای کوتاه کردن دست سایر استعمارگران، دست ابرقدرتی دیگر بر این مرز و بوم باز شود. در واقع، رضاشاه قصد داشته با وارد کردن آمریکا به عرصه رقابت، دست به نوعی تعدیل قوا بزند که در فضای سیاسی آن روز ایران و کشمکش‌های دول قدرتمند بر سر مسئله نفت شمال، لازم می‌نمود. در این اسناد نیز مطالبی در ارتباط با میزان سهم مالی دولت ایران و شرکت‌های مدنظر از این استخراج‌ها موجود است.

شرکت امیرانین بعد از کاوش به مدت دو سال، دولت را از صرف نظر خود در رابطه با ادامه کار مطلع کرد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۴۳). بعد از این اعلام انصراف، مجلس شورای ملی در ۲۴ خرداد ۱۳۱۷ش. دو قرارداد نفتی مصوب ۱۵ و ۱۸ بهمن ۱۳۱۵ش. را لغو کرد (روزشمار روابط ایران و آمریکا، ۱۳۷۹: ۲۵). برخی علت اساسی خودکشی داور در ۲۱ بهمن ۱۳۱۸ش. را مخالفت انگلیسی‌ها نسبت به دادن امتیاز نفت شمال و قسمتی از شرق ایران به آمریکایی‌ها و همچنین انصراف شرکت مزبور از ادامه‌ی عملیات می‌دانند (نجمی، ۱۳۷۰: ۲۹۵/۱).

در ۲۸ آذر ۱۳۱۸ش.، آندرسون به‌عنوان نماینده شرکت استاندارد اوپیل، به منظور اخذ امتیاز نفت شمال وارد تهران شد. مذاکرات او در تهران به علت مخالفت دولت شوروی بدون نتیجه پایان گرفت (روزشمار روابط ایران و آمریکا، ۱۳۷۹: ۲۵).

قرارداد اکتشاف و استخراج معادن با شرکت هلندی

در ۲۶ فروردین ۱۳۱۸ش.، قانونی به تصویب مجلس رسید که به موجب آن، حق انحصاری کشف معادن در مدت سه سال به شرکت هلندی به نام الگمین اکسپلوراتی ماچاپیچ در دو ناحیه‌ی شمالی و جنوبی داده می‌شد. گفتنی است که حق کاوش برای هرگونه مواد معدنی در شمال مجاز بود ولی در جنوب معادن نفت و خاک سرخ از آن جدا شده بود. شرکت هلندی به واسطه بروز جنگ جهانی دوم از انجام عملیات منصرف شد. نکته جالب در مورد این قرارداد، این است که دولت شوروی دیگر صحبتی از فصل سیزده عهدنامه فیما بین خود و ایران به میان نیاورد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۴۳).

درخواست فرانسه برای تحصیل امتیاز نفت شمال ایران

نکته‌ای که در هیچ یک از کتب پژوهشی و مقالات مورد مطالعه مشاهده نشد، مربوط به درخواست آقای ورنادزا وابسته‌ی بازرگانی سفارت فرانسه، راجع به مذاکره و بررسی در مورد

اخذ امتیاز نفت شمال ایران و مسافرت احتمالی آقای وگنر به ایران است. رونوشت نامه این شخص به شماره ۱۲۶۲۶/۷۱ به تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۹ش. موجود است. نگارنده با توجه به سند مربوطه به جوابی که به ورنادزا داده شده دست نیافت. این سند، تنها این نکته را مشخص می‌سازد که چون جواب مثبت یا منفی در ارتباط با درخواست ورنادزا کتباً صلاح نبوده، ابلاغ پاسخ به ورنادزا تلفنی صورت گرفته است (آرشیو ملی ایران، ۱۳۱۹(ب): ۴-۱؛ آرشیو ملی ایران، ۱۳۱۹(الف): ۱۰-۱).

نتیجه‌گیری

امتیاز نفت شمال برای اولین بار به وسیله ناصرالدين شاه قاجار در ماه شعبان ۱۳۱۳ق. به محمدرولیکان خلعتبری داده شد که براساس آن، اجازه استخراج نفت در تنکابن، کجور، کلارستاق (مازندران) به وی واگذار گردید. پس از توافق خلعتبری با خوشتاریا، تبعه روسیه تزاری و سپردن این امتیاز به خوشتاریا و فروش آن به دولت انگلیس توسط این شخص، رقابت بین دول آغاز شد.

همواره استعمارگران برای کسب منافع بیشتر گاهی در قالب رقابت و گاه سازش با دیگر حریفان عمل می‌کنند و مسئله نفت شمال نمونه‌ای از هر دو چهره رقابت و سازش است. در این میان، روسیه که خواهان حفظ منافع خود بعد از امتیاز داری بود که به موجب آن براساس مخالفت روسیه، پنج استان شمالی از آن جدا شده بود، به مخالفت با امتیاز خریداری شده انگلیس پرداخت.

درگیری دولتین انگلیس و شوروی، ایران را به سمت این قضیه سوق داد که برای کاهش نفوذ این دو نیرو، قدرت سوم را به میدان بیاورد. انگلیس هم بعد از تلاش برای رسمیت دادن به امتیاز خریداری شده‌اش که به شکست منتهی شد، از در سازش با آمریکا درآمد که ایران خواهان واگذاری امتیاز به این کشور بود البته این سازش با مخالفت ایران مواجه گشت. دامنه

این قضایا به رقابت بین دو شرکت آمریکایی سینکلر (که شوروی طرفدار آن بود) و استاندارد اوایل (انگلیس حامی آن بود) رسید و شوروی و انگلیس با طرفداری از این شرکت‌ها باز به صحنه آمدند.

قرارداد ایران با شرکت هلندی برای واگذاری امتیاز، به دنبال جنگ جهانی دوم پایان پذیرفت. فرانسه هم که با آگاهی از بی‌اعتباری امتیاز خوشتاریا، امتیاز را خریداری نکرده بود، در نهایت وارد میدان شد و درخواست کسب امتیاز نفت شمال را داشت که از نتیجه آن اطلاعی به دست نیامد.

برخی علت اساسی خودکشی داور در ۲۱ بهمن ۱۳۱۸ ش. را مخالفت انگلیسی‌ها نسبت به دادن امتیاز نفت شمال و قسمتی از شرق ایران به آمریکایی‌ها و همچنین انصراف شرکت مزبور از ادامه عملیات می‌دانند. پس از ورود ایران به دایره سیاست بین‌الملل در سال‌های آغازین سده نوزدهم تا هنگام اشغال ایران در زمان جنگ جهانی دوم ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۱ م.، یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست خارجی ایران به استثنای سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه، رقابت انگلستان و روسیه و سپس اتحاد جماهیر شوروی بود. در این مدت برخی از دولتمردان ایرانی کوشیدند تا قدرت سوم (نیروی سوم) نیز به ایران وارد شود که این کار بی‌نتیجه ماند. سیاست قدرت نیروی سوم رضاشاه و تمایل وی به آمریکا بعد از انصراف این کشور، به شکست منتهی گشت. از نکات حائز اهمیت در قضیه نفت شمال، حضور استعمارگرانی است که آن‌ها را در جنگ جهانی دوم خواهیم دید، به نوعی این قضیه به عنوان میدانی بود که طرفین درگیر میزان قدرت خود را سنجیدند. پرونده نفت شمال ایران پس از فراز و نشیبی طولانی در اواخر دوره رضاشاه، موقتاً مختومه اعلام شد.

منابع و مأخذ

– آرشیو ملی ایران (۱۳۱۹). (الف) امتیاز نفت شمال ایران. ۹۲۸۸۵ / ۲۴۰.

- آرشیو ملی ایران (۱۳۱۹). (ب) درخواست وابسته بازرگانی سفارت فرانسه، مبنی بر مذاکره در خصوص واگذاری امتیاز نفت شمال ایران به آن کشور. ۱۳۳۶۴۷ / ۲۴۰.
- آرشیو ملی ایران (۱۳۱۵). (الف) رونوشت قوانین: اعطای امتیاز نفت قسمتی از شرق و شمال به شرکت آمریکا و ایران، ساختن و نگهداری لوله حمل نفت به شرکت لوله نفت ایران. ۲۲۹۲۷ / ۲۴۰.
- آرشیو ملی ایران (۱۳۱۵). (ب) گزارش به وزارت خارجه در مورد فوت حکمت، تأسیس مؤسسه ضد امراض، توسعه راه آهن، سفارت سهیلی، نفت شمال و آمریکائی‌ها، صادرات، واردات و اصلاحات در شهرداری‌ها. ۳۰۴۳ / ۲۹۰.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نی.
- الول ساتن، لارنس پل (۱۳۳۷). *رضاشاه کبیر، یا، ایران نو*. ترجمه عبدالعظیم صبوری. تهران: بی‌نا.
- _____ (۱۳۷۲). *نفت ایران*. ترجمه رضا رئیسی طوسی. تهران: نشر صابرین.
- آوری، پتر (۱۳۸۴). *تاریخ ایران به روایت کمبریج: از نادرشاه تا انقلاب اسلامی*. جلد ۷. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
- *روزشمار روابط ایران و آمریکا (۱۲۴۸ ق. - ۱۳۷۷ ش. / ۱۸۳۲ - ۱۹۹۹ م.)* (۱۳۷۹). به کوشش بهروز طیرانی. تهران: وزارت امور خارجه.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*. ترجمه کاوه بیات. تهران: انتشارات پروین، انتشارات معین.
- سرمد، خسرو (۱۳۵۸). *سیاست و اقتصاد بین‌الملل نفت: تجزیه و تحلیل سیاسی و اقتصادی از مسائل بین‌المللی نفت*. بی‌جا: بنیاد.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۴). *اسناد روابط ایران و شوروی (در دوره رضاشاه/ ۱۳۱۴ - ۱۳۱۸ ش.)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ق.)*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فاتح، مصطفی (۱۳۵۸). *پنجاه سال نفت ایران*. تهران: پیام.
- فرشادگهر، ناصر (۱۳۸۱). *سیری در قراردادهای نفتی ایران*. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.

- فهرست مقالات و مطالب مجله خواندنی‌ها درباره‌ی تاریخ معاصر ایران (۱۳۸۷). جلد ۱ و ۲. به کوشش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. تهران: کتابخانه، موزه، مرکز اسناد و مجلس شورای اسلامی.
- قدیمی، ذبیح الله (۱۳۳۲). *تاریخ انقلاب نفت ایران*. تهران: مجلس.
- کرباسچی، غلامرضا (۱۳۸۰). *روزشمار روابط ایران و آمریکا*. تهران: بقعه.
- گرانوسکی، ا.آ. و دیگران (۱۳۵۹). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: پویش.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷). *طلای سیاه یا بلای ایران*. تهران: امیرکبیر.
- مکی، حسین (۱۳۶۱). *تاریخ بیست ساله ایران*. جلد ۴. تهران: چاپخانه کاویان.
- منشور گرگانی، محمدعلی (۱۳۶۸). *رقابت شوروی و انگلیس در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶ خورشیدی*. مقدمه و توضیحات محمدرفیعی مهرآبادی. تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی.
- موجانی، علی (۱۳۷۵). *بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱ تا ۱۹۲۵ میلادی)*. تهران: وزارت امور خارجه.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۰). *از سیدضیاء تا بازرگان: دولت ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا آذر ۱۳۵۸*. جلد ۱. تهران: ناصر نجمی.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۸۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۳). *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰*. تهران: البرز.